

جالب است که درینجا از جانب یکی از نماینده های اردوگاه محافظه کار در پارلمان آلمان که نخست وزیر انگلیا میرکیل نیز منسوب به آن است چنین اظهاراتی را میخوانیم. ولی ممکن است وجدانش بیدار شده باشد تا به این همه وضاحت از حقوق مهاجران و جنایات ناتو در افغانستان و سایر نقاط جهان یادآوری میکند. امید در افغانستان هم وجدان بیداری پیدا شود تا پرده از روی همه جنایتها و خیانتها از هر جناح و هر کشوری که بوده و است، بردارد و به کشتار های جمعی در افغانستان با اتکا به مردم افغانستان و نیروی بالنده جوانان افغانستان که بدون شک آینده سازان بلا منازعه وطن هستند بردارند.

منبع: یوونگی ویلت

برگردان: داؤد اسعد

۰۹/۰۱/۲۰۱۵

علیه هر گونه ترور

به همان مقیاسی که ما از قربانیهای پاریس یادآور میشویم نباید فراموش کنیم که ما تا چه حدود درد ناکی به قتل عام در سراسر جهان پرداخته ایم

نویسنده: ویلی ویمر*



هوشدار ترور در پاریس: سربازان فرانسوی روز پنجشنبه در ساحه برج ایفل و سایر نقاط سمبولیک پایتخت پاسداری میکنند

جمهوری فرانسه باید بخاطر خواسته های خودی جنایت تکاندنده سرمایه در پاریس را هرچه زود تر حل و فصل نماید. بایست برای همه همسایه ها و هم پیمان های جمهوری فرانسه روشن باشد تا مساعدت های لازم را در زمینه برای پاریس دریغ نکنند. درین راستا باید از همه تلاشها

استفاده شود تا گودال کنونی میان اروپایی ها بر شانهٔ قربانیهای پاریس سنگینی نکند و از همکاری لازم با فدراتیف روسیه از یکجانب و اوکراین از جانب دیگر دیده پوشی نکرده و هر دو را در مناسبات بین المللی مساویانه سهیم سازند.

نزدیکترین همپیمان های جمهوری فرانسه همانا کشور های عضو اتحادیهٔ اروپا اند. در کنار پاریس آنان نیز در برابر عکس العمل مردم جوابگو هستند تا روشن سازند که این حوادث ناگوار چگونه اتفاق افتاد و با این مسئله برخورد مسوولانه نمایند. تا آنزمانیکه عاملین و نیرو های عقبی آنان به پنجهٔ قانون سپرده نشده اند نباید چانه زنیهای غیر واقعی که در خدمت اهداف خود پرداختهٔ شان است رهگشای مباحثه ها باشد. خیلیها سهل میتوان به این خطر نزدیک شد که بخشی از مردم در تقابل با همدیگر قرار گیرند.

همانطوریکه ما از تجربه های تلخ مان میدانیم کشتار هایی ازین دسته بلا فاصله بخاطر ایجاد میکانیزم کنترولی گسترده تری که بیشتر هدف از آن کنترل شهروندان دادخواه و مطیع قانون میباشد مورد استفاده قرار میگیرند. ما از هنگام حملات تروریستی به نیویارک میدانیم که به کدام پیمانانه یی آزادی های شهروندی قربانی چنین حوادث شده اند زیرا نهاد های نظارتی کشور های مان این فرصت طلایی را نخواستند از دست بدهند. این امر ممکن شد و به همین گونه ادامه می یابد و آن اینکه آن بخشهایی از حاکمیت دولتی مان که هنوز دست ناخورده مانده بودند به عرصهٔ وظایف علیای کشورهای بیگانه در داخل خاک مان از دست رفته و میروند. هر گاهی حکومت های مان مسیر کنونی جنگ افروزی را در تعدادی از مناطق جهان ادامه دهند سوق دادن سائر کشور ها و شهروندان آنها به فقر و محرومیت بوسیلهٔ کشور های مان مشهود است و حتماً آنان این وضع را به دروازه های شهر ها و قصبات مان انتقال میدهند. به همان پیمانانه یی که ما شاکی از قربانیان پاریس هستیم و میخواهیم عاملین آنرا در برابر محاکم بینیم حق نداریم ازین واقعیت دیده پوشی کنیم که به کدام پیمانانه یی ما در سراسر جهان به کشتار های جمعی پیوسته ایم. ما نابخردانه در برابر قربانیان مراسم عروسی در افغانستان ماست مالی میکنیم که هدف راکتهای مان قرار گرفته اند.

ما چرا اجازه دادیم تا ناتو به سمتی انکشاف کند که به هیچ وجه و حتی مترادف با یکی از مواد تصویب شدهٔ قرارداد پیمان ناتو هم نیست، آیا بخاطر آنکه زمانی هم پارلمان آلمان با آن توافق کرده بود؟ ما چرا اجازه دادیم تا به علایق خودی مان در رابطه با همزیستی موزون در اروپا پشت پا زنیم و به جای آن با ایجاد سپر راکتی تا کودتا در اوکراین نخ رابط با فدراتیف روسیه را قطع کنیم؟ چرا ما در برابر تعداد دیگری از کشورها از سیاست تحریم پیروی میکنیم و آنهم

تحریم هایی که ما میدانیم برای آماده ساختن جنگی وضع میشوند و میخواهیم به آن هویت مجازی دهیم؟ ما چرا اجازه میدهیم تا حقوق بشر را ملیتاریزه کنند و ازین مجرا علایق سیاسی و مقدم بر آن سیاسی شانرا بدون شرکت آنانی تحقق بخشند آیا ما واقعاً بخاطر بهبود وضع زنده گی آنان مبارزه میکنیم؟ چرا ما به این امر اجازه دادیم تا یک جامعه در خور بهبود "بازار اجتماعی اقتصادی" را قربانی "اسهام ارزش آفرین" سازیم و برای بخش های بزرگی از مردم خویش دورنماهای رویایی وعده دهیم؟

آیا انسان سیاه اندیش است هرگاهی وی دقیقاً میدانند که فرجام بیانگر چیست؟ آیا ممکن است که ما تماشاگر آن باشیم که اندوخته های مان در رابطه با جنگ و جنون نادیده گرفته میشوند تا به مصیبت دیگری دستیابی حاصل نمایند؟ انسانها در جستجوی تکیه گاهی اند و مؤفق به دریافت آن نمیشوند. بنابراین جالب است که چراغها را اگر مناسب به نظر آید در کلیسا های بزرگ خاموش می کنند و لی در مقابل هنگام لشکر کشی قدرتمندان و زور گویان به جنگهای جهانشمول زنگ های آنرا به صدا در میآورند. چرا امکان آن وجود ندارد تا از طریق تجارت معمول به مواد خام طرف ضرورت اقتصاد مان دست یابیم تا اینکه برخلاف آنرا بوسیله یک فکتور یعنی سوال تعیین کننده قدرت و سربازان خود گره زنیم؟ در رابطه با اکثریت های از خود راضی در پارلمان های مان باید صراحت بخشیم که هیچگاهی نتوانسته اند و هیچ گاهی نمیتوانند در زمینه کار های استخبارات اطمینان لازم را بدست آورند در حالیکه این ارگانها مسوولیت جدی دارند تا متکی به قانون اساسی در خدمت کشور مان بخاطر صلح در جهان قرار داشته و بدین ترتیب شرکت در هر یک از جنگهای تهاجمی با اتکاً به آن مجاز نیست. آیا ما به زمان قبل از تریونال "نیورنبرگ" برمیگردیم. چرا که کشور متحد مان ایالات متحده امریکا جنگ را برای ما دوباره به عادت معمول توصیه میکند همانطوریکه تا زمان جنگ اول جهانی معمول بوده است؟ آیا میشود که در آینده بر وفق منشور ملل متحد از آن ابا ورزید و چرا "اردوگاه" ما این لشکر کشی را میخواهد و برای خودش ساختار های جهانشمول را پیش ازین جا سازی کرده است؟ آیا میشود مثال ایالات متحده امریکا را که با اپارات خلیها گسترده نظامی مجهز بوده و بالای جامعه سنگینی میکند در کشور مانیز انتقال دهیم تا باب نوینی از ملیتاریزم و فرو پاشی اجتماعی را که با آن ارتباط مستقیم دارد وسیله شویم؟

*ویلی ویمر ۳۳ سال عضو پارلمان آلمان بود. میان سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۲ موصوف که سیاستمدار حزب دموکرات مسیحی المان بود نخست در سمت سخنگوی کمیسیون دفاعی پارلمان و بعد ها در وزارت دفاع آلمان در پست سکرتر دولت در امور پارلمانی ایفای وظیفه

نموده است. از سال ۱۹۹۴ الی سال ۲۰۰۰ در سمت معاون رئیس مجالس پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا فعالیت داشت.